

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هشتم، شماره اول، پیاپی (۲۴)، بهار ۱۳۹۳

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۲/۸/۶

صص ۲۳۴ ° ۲۱۱

تأثیر تغییر تقسیمات کشوری یک منطقه بر بافت جمعیتی آن (استان اصفهان در ۱۰ سال اخیر)

علی اصغر مهاجرانی^{۱*}، اعظم شیریان^۲

چکیده

هدف تغییر رسیدن به پیشرفت در زندگی است. تغییر تقسیمات کشوری نیز برای برطرف نمودن نیازهای مردم از طرف سیاستگذاران، باجوانب گوناگون صورت می‌پذیرد. پژوهش حاضر با مطالعه تحول تقسیمات کشوری مناطق استان اصفهان در ۱۰ سال اخیر و بررسی اثرات این تحولات بر ترکیب جمعیتی آنها انجام گرفته است. متغیر وابسته (تغییر تقسیمات کشوری یک منطقه) از نظر مفهومی بررسی و با تأکید بر نظریات جامعه‌شناسی، چارچوب نظری و فرضیه‌ها تدوین گردید. متغیرهای ترکیب جنسی، وضعیت اشتغال، مسکن و تحصیل (اجزای بافت جمعیت) و تأثیرپذیر از تغییر موقعیت کشوری منطقه مطرح شد. اینها، عوامل مهم

۱- استادیار علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان (نویسنده مسئول) A.mahajeerani@yahoo.com

shiryan_a@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد جمعیت‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

طرح‌ریزی برنامه‌های اقتصادی بوده و بخصوص برای کشورهای در حال توسعه که جمعیت و توزیع آن تحول سریعی دارند، اهمیت دارد. با استفاده از روش اسنادی و با اطلاعات موجود در استانداری، مقایسه قبل و بعد از تغییرات صورت گرفت. آزمون روابط متغیرها با تبدیل داده‌های خام به درصد، تحلیل شد و با تفسیر علوم مختلف عمده ترین یافته‌ها به صورت زیر به دست آمد: ۱- بین تغییر موقعیت هشت منطقه (تودشک، کمشچه، برزک، سفیدشهر، مشکات، جوزدان، بافران و نصرآباد) و ترکیب جنسی مردم آن رابطه وجود دارد. ۲- بین تغییر موقعیت و وضعیت اشتغال مردم هفت منطقه (تودشک، گلشهر، نصرآباد، زیباشهر، چادگان، برزک، دهاقان) رابطه وجود دارد. به طور خلاصه، راهکارهای توسعه در تغییر مناطق که اغلب با تبدیل روستا به شهر نمایان است کاملاً و به صورت یکسان در همه مکان‌ها عملی نمی‌شود.

واژه‌های کلیدی: تغییر موقعیت، ترکیب جمعیت، روستا، شهر، شهرستان.

مقدمه و بیان مسأله

بسیاری از تغییرات جامعه‌های انسانی واکنشی است در برابر تغییراتی که در محیط طبیعی یا اجتماعی پیرامون آنها رخ می‌دهد. هر گونه تغییر در محیط اجتماعی پیرامون ممکن است مسائل تازه‌ای برای جامعه‌ها بیافریند که به نوبه خود نوآوری‌های گوناگونی در پی داشته باشند. (نولان و لنسکی، ۱۳۸۰: ۹۲) البته روند تغییر در جوامع مختلف متفاوت بوده و شاخص‌هایی مانند زمان، مکان و... در اندازه تغییرات مؤثر واقع می‌شوند (رحمانی، ۱۳۸۸: ۲).

تقسیم‌های کشوری [نیز] با تغییرهای متعددی روبرو بوده و این تغییرات از موضوع‌های مهمی است که برنامه ریزان هر منطقه، باید مورد توجه قرار دهند از جمله این تغییرات می‌توان به ادغام آبادی‌ها در یکدیگر و تشکیل آبادی بزرگتر و ایجاد شهرهای کوچک از بهم پیوستن دو یا چند آبادی اشاره نمود (فتحی، ۱۳۸۹: ۲۳). این پژوهش به بررسی موقعیت‌های قبلی و کنونی مناطق مختلف استان اصفهان در ۱۰ سال اخیر می‌پردازد و اثراتی که بر ترکیب جمعیت هر منطقه داشته است را بررسی می‌نماید. ترکیب جمعیت، مجموعه عناصر نسبتاً پایدار جمعیت که در طول زمان در ارتباط با یکدیگر دارای شکل خاصی شده‌اند، به نحوی که تغییر آن در مدت زمان کوتاه بسیار دشوار است (تمنا، ۱۳۸۷: ۶۷). اما مواقعی که تقسیم‌های کشوری تغییر می‌یابند

تأثیر آن در رشد و ترکیب جمعیت مخصوصاً زمان بررسی تفاوت‌ها در سطوح مناطق شهری و روستایی بیشتر محسوس است (فتحی، ۱۳۸۹: ۲۳). برای مطالعه پدیده‌های جمعیتی شناخت ساختار آن مورد تأکید است، چراکه در غیر این صورت آمار به تنهایی بیانگر واقعیت‌های موجود نخواهد بود. از طرفی شناخت ساخت جمعیت‌ها، در رفاه اقتصادی و اجتماعی در چارچوب برنامه‌های کلان توسعه جوامع امروزی امری ضروری است (تمنا، ۱۳۸۷: ۱۱). عوامل جمعیتی مهم برای طرح ریزی برنامه‌ها را به این ترتیب می‌توان نام برد: ۱. تغییرات توزیع سنی و جنسی جمعیت ۲. دگرگونی‌های جمعیت فعال و ترکیب مشاغل ۳. وضع سواد و درجه تخصص ۴. تحول ابعاد خانوار. بطور خلاصه دگرگونی‌های جمعیت تحت شرایط اقتصادی و اجتماعی صورت می‌گیرد و از سویی درجه‌ای از توسعه را بر آنها تحمیل می‌کند (تقوی، ۱۳۶۹: ۱۷۵) بنابراین چنین تغییراتی علاوه بر دگرگونی بافت جمعیت با برنامه‌های توسعه کشور رابطه داشته و از هم تأثیر می‌پذیرند.

پیشینه تحقیق

تحقیقات داخلی؛ از مهمترین آنها مطالعه دکتر زنجانی با همکاری طه نوراللهی با عنوان "پیش بینی جمعیت کشور و استان‌ها به تفکیک شهری و روستایی تا سال ۱۴۰۵ است. نتایج آن نشان می‌دهد طی ۱۰ سال، ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ تعداد شهرهای کشور از ۶۱۲ به ۱۰۱۲ افزایش یافته؛ یعنی این مدت ۴۰۰ شهر جدید به وجود آمده که اثر چنین تحولی افزایش و کاهش غیر واقعی جمعیت شهرها و روستاها بوده و البته بایک عمل همانندسازی خنثی شده است. تحقیق دیگر را آقای علی رحمانی (۱۳۸۸) با عنوان "بررسی پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی تبدیل روستا به شهر در استان اصفهان (مطالعه موردی؛ زیباشهر مبارکه) انجام داده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تبدیل شدن روستا به شهر؛ یعنی قرار گرفتن در بستر پیشرفت، صنعتی شدن و همین‌طور باعث کاهش باروری خواهد شد. از لحاظ اقتصادی نیز وضع مردم پس از تأسیس شهر بهتر شده و اکثریت جمعیت شهر را قشر متوسط تشکیل می‌دهند. در کل پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی تبدیل روستا به شهر (زیباشهر) مثبت بوده، ولی قابل تعمیم به سایر شهرها نیست.

تحقیق خارجی؛ مقاله‌ای با عنوان "از شهر تاروستا؛ تغییر ارتباط شهری و روستایی در چین" به نگارش دیوید زویگ^۱ است. این مقاله افزایش تعامل شهری و روستایی را به تثبیت رسانیده و استدلال می‌آورد استراتژی‌های پیشرفتی علی‌الظاهر به کاهش فاصله شهر و روستا کمک کرده است. تفاوت‌های درآمدی بین کشاورزان و کارگران کاهش یافته، تعامل مستقیم بازرگانی بین کارگاه‌های روستایی و ساکنان و کارخانه‌های شهری افزایش یافته و کشاورزان نقش مهمی در پیشرفت بخش خدمات شهری قبلاً غیرفعال شده، ایفا نموده‌اند. از سال ۱۹۸۲ نیروی کارمزد روستایی به مراکز شهرها هجوم آورده‌اند و مخصوصاً در شهرهای کوچک که در حومه شهرها (نواحی روستایی) احداث شده‌اند، همزمان با حضور کشاورزان اندازه شهرهای متوسط افزایش یافته است. علاوه بر این با یک اقتصاد قوی روستایی و افزایش مصرف کننده و کالاهای تولیدکننده، با تلفیق مناطق شهری و روستایی فشار زیادی را برای توسعه بخشیدن و تمرکززدایی از اقتصاد شهری وارد آورده است.

تعاریف و رویکردهای نظری

روستا

به مجموعه یک یا چند مکان و اراضی بهم پیوسته (اعم از کشاورزی و غیر کشاورزی) گفته می‌شود که خارج از محدوده شهرها واقع شده و دارای محدوده ثبتی یا عرفی مستقل باشد. به این ترتیب، کلیه روستاها و نقاط مشابه با تعداد کمتر یا بیشتر از ۲۰ خانوار که دارای محدوده ثبتی یا عرفی مستقلی باشند آبادی محسوب می‌شود (دفاتر سرشماری، مرکز آمار ایران).

شهر

در تعاریف بین‌المللی نقاط سکونتی مهمی که دارای اقتصاد غیر کشاورزی و غیر روستایی و دارای نهاد شهرداری باشند، شهر نامیده می‌شود. شهر را مرتبط با ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هر جامعه و ویژگی‌های مخصوص آن جامعه تعریف می‌کنند. شهر محلی است که از لحاظ سکونت و کسب و کار و تأسیسات اداری کمابیش مرکزیت دارد. در تقسیمات کنونی

ایران مراکز شهرستان‌ها و مراکز بسیاری از بخش‌ها را شهر می‌نامند (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۹۳ و ۹۴).

شهرستان

ازبهم پیوستن چندبخش همجوار که از نظر عوامل طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، واحد متناسبی را به وجود آورده‌اند. حداقل جمعیت به دو درجه تراکم زیاد ۱۲۰ هزار و تراکم متوسط ۸۰ هزار نفری که در موارد استثنایی به ۵۰ هزار نفر نیز می‌رسد. مرکز شهرستان، یکی از شهرهای همان شهرستان است که مناسب‌ترین کانون طبیعی، اقتصادی و... آن محدوده شناخته می‌شود (قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری^۱ مصوب ۱۳۶۲/۴/۱۵).

ترکیب جمعیت

منظور از ترکیب یا ساختمان جمعیت آن جنبه‌هایی از جمعیت است که قابل سنجش بوده باشد. واژه ساختمان یا ترکیب در جمعیت‌شناسی غالباً جمعیت را از لحاظ یک ویژگی مورد بررسی قرار می‌دهد. به لحاظ اصطلاحی مجموعه عناصر و روابط نسبتاً پایدار جمعیت است که در طول زمان در ارتباط با یکدیگر دارای شکل خاصی شده‌اند (تمنا، ۱۳۸۷: ۶۱).

تغییر اجتماعی

تغییر اجتماعی عبارت است از پدیده‌های قابل رؤیت و قابل بررسی در مدت زمانی کوتاه به صورتی که هر شخص معمولی در طول زندگی خود یا در طول زندگی کوتاهی از زندگی اش می‌تواند یک تغییر را شخصاً تعقیب نماید، نتیجه قطعی اش را ببیند و یا نتیجه موقتی آن را دریابد. علاوه بر این تغییر اجتماعی در محدوده یک محیط جغرافیایی و اجتماعی معین صورت می‌پذیرد و در این مورد تفاوتش با تحول اجتماعی در این است که آن را می‌توان در چارچوب یک محدوده جغرافیایی و یا در کادر اجتماعی-فرهنگی خیلی محدودتری مورد مطالعه قرار داد (روشه، ۱۳۷۶: ۲۰-۲۱).

^۱ - نقل از روزنامه رسمی شماره ۱۱۲۰۰-۱۸/۵/۱۳۶۲

چارچوب نظری

دیدگاه‌هایی راجع به موضوع و درارتباط با اثبات فرضیه‌ها: ابن خلدون؛ هدف خود را از تاریخ نویسی روشن کردن تطورکشورها و نژادها و عادات و مذاهب می‌داند و آن را بصورت یک قانون عمومی بیان کرده است. علاوه بر اصل تطور تدریجی و تعمیم آن به همه جوامع و نهادهای مختلف اجتماعی، ابن خلدون برای این تطور تاحدی زیاد مراحل و تقدم و تأخر زمانی نیز قائل شده است. ابن خلدون از لحاظ اجتماعی یک تطورگراست که با طرح «نوع بندی» جوامع سعی کرده است، مراحل را برای رشد و تکامل آنها در نظر بگیرد که از شکل ابتدایی زندگی به سوی تشکیل دولت، سپس توسعه شهرنشینی و رشد تمدن پیش می‌رود. او در عین حال معیشت را به عنوان یک نیاز اساسی از ضروریات طبیعی می‌داند و آن را عاملی در تطور مراحل اولیه تمدن می‌شمارد (توسلی، ۱۳۷۳: ۹۳ و ۹۴) ابن خلدون تغییر جوامع به انواع گوناگون و رسیدن به تمدن را از ضروریات تمام جوامع انسانی به حساب می‌آورد و عامل معیشت یا پیشه افراد را عامل این دگرگونی می‌داند.

کنت؛ از آن دست جامعه شناسانی است که در تمامی امور نقش ساختارها و شرایط محیط بر انسان را مهم دانسته و آن را عامل اصلی تغییر می‌داند. بنابراین از نظر او اگر جامعه تغییر می‌یابد نه به این دلیل است که افراد این تغییر را ایجاد می‌کنند. افراد ظاهراً عاملان تغییرند، اما در باطن خود این اندیشه‌ها تحت تأثیر شرایط محیطی (زمان، مکان و...) قرار دارند. کنت رمز تغییر جوامع و انسان‌ها را در تغییر معرفت و دانش آنها می‌داند. به عبارت دیگر تفاوت انواع جوامع مختلف تنها در نوع تفکری است که مردم آن جامعه دارند. بر این اساس او معتقد است که هم افراد و هم تمدن‌ها این سه مرحله معرفتی را طی می‌نمایند. افراد در طول عمر خود اندیشه‌هایشان تغییر کرده و از حالتی به حالت دیگر تغییر می‌یابند و جوامع نیز به مانند اندیشه انسانی تابع همین تغییرند و از سه مرحله می‌گذرند. مرحله اول- الهی یا ربانی، مرحله دوم- متافیزیکی (مابعدالطبیعی)، مرحله سوم- اثباتی یا علمی؛ از نظر او آرمان جامعه بشری رسیدن به مرحله آخر است. مرحله‌ای که انسان‌ها از دام توهمات جسته‌اند و به مدد علم آنها در تکنولوژی، هنر، ادبیات و علوم انسانی رشد می‌کنند و بدین طریق عملاً باعث رشد بیش از پیش خود می‌شوند. (غفاری و لویه، ۱۳۸۴: ۷۲ و ۷۱) کنت هم به تغییر جوامع و انسان‌ها معتقد است و برای آنها

مرحله تکاملی و آرمانی قائل است.

ردفیلد؛ یک تقسیم بندی دو گانه سنتی-مدرن از جوامع در جریان دگرگونی اجتماعی گاهی به شکل مفهوم زنجیره روستای-شهری و یا قومی-شهری مطرح شده است و ریشه آن را باید در کارهای اولیه ردفیلد پیدا کرد. ردفیلد با تأکید بر جنبه های فرهنگی جامعه، جوامع در جریان دگرگونی اجتماعی را به دو دسته قومی و شهری تقسیم می کند. خصوصیات جامعه قومی عبارتست از: جامعه کوچک، منزوی، فاقد افراد باسواد و... در این جوامع هیچ نوع قوانین و یا عادات تجربی و تفکر در جهت اهداف روشنفکرانه دیده نمی شود. اقتصاد بیشتر با پایگاه اجتماعی مرتبط و بر پایه تولید برای بازار سازمان نیافته است. ردفیلد جامعه قومی-شهری را به عنوان دو قطب کاملاً مخالف بر روی یک زنجیره تصویر می کند. این زنجیره دلالت بر یک جریان کلی دارد که طی آن جوامع قومی طی یک فرآیند عام از طریق ادغام در ساخت های بزرگتر از نوع شهری، دگرگونی حاصل می کنند. فرضیه ردفیلد که انواع مختلف جوامع را توصیف می کند نوعی ذهن گرایی در باب «طبقه بندی» دگرگونی اجتماعی است (از کیا، ۱۳۷۰: ۴۵ و ۴۴) ردفیلد در جریان دگرگونی اجتماعی جوامع را به انواع مختلف توصیف و طبقه بندی می کند و جامعه ای از نوع شهری به وسیله ادغام روستا با یک ساخت بزرگتر شهری به وجود می آید.

دورکیم؛ بنا بر نظریه دورکیم جامعه ها به دو گونه تقسیم می شوند. گونه اول جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی و گونه دوم مبتنی بر همبستگی ارگانیک. او رویکرد خود را در قالب گرایشی تطوری قرار می دهد که گذار جوامع انسانی را از دوران پیش صنعتی (پیش شهرنشینی) به دوران صنعتی (شهرنشینی) در قالب گذار از همبستگی مکانیکی به همبستگی ارگانیکی مشاهده می کند. در مجموع برای دورکیم، مسأله شهرنشینی در قالب مفهوم تغییر اجتماعی متبلور می شود. به عقیده او تمدن، نتیجه منطقی تغییراتی است که در وسعت و تراکم جوامع حاصل می شود. توسعه علم و هنر و فعالیت اقتصادی نتیجه یک ضرورت است، زیرا آدمیان، با قرار گرفتن در شرایط تازه، راه های جدیدی را برای زندگی برمی گزینند. یعنی باید بیشتر کار کنند و قوا و استعداد های خود را بیشتر به فعالیت و ادارند و تنها در صورت تخصصی شدن کارها، به حفظ خود قادر خواهند بود (پاپلی و رجبی، ۱۳۸۲: ۲۹۶) دورکیم که جوامع را به

دو گونه تقسیم می‌کند و معتقد است مردم آن از نظر شغل و تخصص و حرفه با هم متفاوتند بنابراین وضعیت اشتغال در تغییر جوامع مولفه مهمی برای او محسوب می‌شود.

دنيس راندينلی^۱؛ به تحليل روابط شهر و روستا برای امر توسعه اشاره دارد. راندينلی در امر توسعه، نظريه خود را بر مبنای عدم تمرکز سرمایه گذاری‌ها در سکونتگاه‌های انسانی با تأکید بر «استراتژی توسعه بر محور شهری» در تأمین حداقل شرایط برای مردم روستایی قرار می‌دهد که آنها را قادر می‌سازد تا جوامع روستایی خود را به توسعه اجتماعی-اقتصادی برسانند. او به مفهوم برخورد وابستگی‌ها نیز اهمیت می‌دهد و این وابستگی‌ها را بین حوزه‌های روستایی با شهرهای کوچک و شهرهای بزرگ لازم می‌داند و این تعامل فضایی، اجتماعی-اقتصادی را پایگاه اصلی در امر توسعه می‌شناسد. نتایج برگرفته از نظریه راندينلی با تأکید بر شهرهای میانی: الف) تغییر در روابط شهر و روستا با تأمین و تقویت امکانات اجتماعی و اقتصادی شهرهای میانی امکان پذیر خواهد بود. ب) بیشتر کشورهای در حال توسعه، فاقد سیستم‌های کارآمد مکان مرکزی است. ج) در امر توسعه ناحیه‌ای باید شهرهای میانی با سرمایه گذاری‌های بخش خصوصی و دولتی تقویت شود. د) نظریه راندينلی در سیستم بازار آزادی مطرح می‌شود که در آن سرمایه گذاران محلی بامیل و رغبت در شهرهای میانی سرمایه گذاری می‌کنند. ه) برای تقویت شهرهای میانی در توسعه روستایی، راندينلی بر ساخت سکونتگاه شهری بیش از شیوه تولید تأکید می‌کند (شکوئی، ۱۳۷۴: ۳۱۶). راندينلی با توجه به روابط و تأثیر روستا و شهر معتقد است شهرهای میانی (می‌توانند از تبدیل یک یا چند روستا به وجود آیند) از مشکلات مسکن و اشتغال مردم می‌کاهند، بنابراین وضعیت مسکن و همچنین اشتغال که جزو عوامل مهم در امر توسعه محسوب می‌شوند، مورد تأکید این اندیشمند قرار گرفته است.

رابرت پارک (نظریه بوم‌شناسی انسان)؛ معتقد بود ساختار شهر در طبیعت انسان است و آن را نمایش می‌دهد. وی جمع انسان‌ها را به اجتماعی و جامعه تقسیم می‌کرد. اولی بازتاب سطح زیستی و دومی را سطح فرهنگی انسان‌ها می‌دانست و ساختار فضایی شهر را اساس برآیند

طبیعت انسان یا سطح زیستی تصور می‌کرد. پارک باعنایت به نظریه داروین عنوان می‌کرد همان نیروهایی که اجتماع گیاهان و جانوران را شکل می‌دهد، نقش مؤثری در تحول اجتماعات انسانی یا شکل دادن به آنها دارد. «وی معتقد بود که در هر اجتماع زنده‌ای یک یا چند نوع مسلط وجود دارد. در جامعه انسانی، صنعت و تجارت نوع مسلط هستند. آنها می‌توانند دیگر فعالیت‌ها را از مرکز شهر بیرون برانند. فشار تقاضا در مرکز شهر موجب بالارفتن قیمت زمین می‌شود و این امر الگوی ارزش زمین را در شهر و کارکردها و کاربری‌های آن را تعیین می‌کند. عدم تعادل در الگوی کاربری زمین تا زمانی وجود دارد که شهر به نقطه بهینه‌ای که در آن اندازه (جمعیت) شهر با شرایط محیطی سازگار شده باشد، برسد. همین نظریه مبنای بسیاری از سازماندهی‌های فضایی برنامه ریزی شهری و توجیه‌گر منطقه بندی بوده است (پاپلی ورجبی، ۱۳۸۲: ۲۹۸، ۲۹۷). به نظر می‌رسد مسکن مورد توجه پارک قرار گرفته به طوری که در نظریه خود به کاربری زمین و ارزش آن به ویژه در شهر اشاره نموده و نقشی تعیین کننده در ساختار و کارکردهای منطقه شهری دارد که می‌تواند با وضعیت مسکن ارتباط داشته باشد.

کلود فیشر؛ بحث اصلی فیشر چگونگی شکل گرفتن یا شکل باختن جماعت در شهر است. واحد اساسی در تحلیل فیشر، جماعت مسکونی است. او گروهی از پارامترها را نیز به عنوان پیش زمینه‌های اساسی در شکل دادن به جماعت‌ها مؤثر می‌داند: ۱- آموزش، پیشینه تحصیلی و فرهنگی افراد، هر اندازه این پیشینه بیشتر و غنی‌تر باشد، میزان شبکه به ویژه شبکه غیر خویشاوند شهری نیز در مورد هر فرد افزایش می‌یابد و متراکم ترمی شود. ۲- درآمد (خانوار) ۳- سن و جنسیت، در رابطه با جنسیت افراد مردان بیش از زنان دارای شبکه گسترده هستند. ۴- ازدواج این امر سبب افزایش شبکه به ویژه شبکه خویشاوندی و همبستگی می‌شود، به خصوص برای زنان. ۵- فرزندان داشتن فرزندان سبب کاهش شبکه به ویژه در مورد مادران می‌شود. ۶- سایر پارامترها. به نظر فیشر مطالعات نشان دهنده اختلافی فاحش میان شکل‌گیری و کیفیت شبکه در شهرهای بزرگ و در روستاها یا در شهرهای کوچک است (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۲۱). فیشر در نظریه خود مشخصاً به امر جنسیت اشاره دارد و در مقوله‌های ازدواج و فرزندان نیز به اهمیت آن توجه نموده است. تحصیلات افراد هم در کنار سایر پارامترها باعث متفاوت شدن شبکه و به تبع آن جماعت‌ها می‌شود.

کالوین اشمید (نظریه ساخت اکولوژیک شهر)؛ اشمید با مطالعه مسائل شهری ساخت اکولوژیک شهر را مطرح می‌سازد. وی این نظریه را در شهر آمریکا اجرا می‌کند. او در تعیین ساخت شهر به تفاوت‌های موجود در شهرها توجه خاصی دارد و این تفاوت‌ها را وابسته به ساخت شهر می‌داند؛ مانند اجاره خانه، شغل، میزان تحصیلات، نژاد، ملیت، زادو ولد و سن. (پاپلی و رجبی، ۱۳۸۲: ۹۵). نظر اشمید در رابطه با متغیر وضعیت تحصیلی گویای این امر است که وضعیت تحصیل افراد نیز به نوبه خود در ساخت‌های متفاوتی از شهر اثرگذار است.

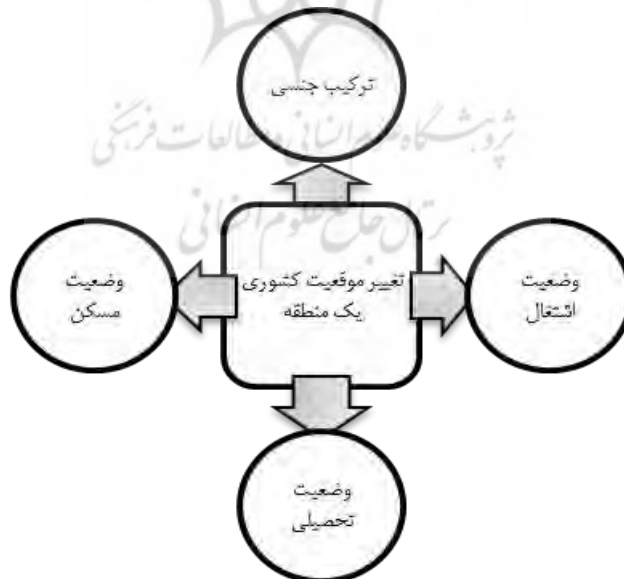
فرضیه‌ها

به نظر می‌رسد بین تغییر تقسیمات کشوری منطقه و ترکیب جنسی مردم آن رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین تغییر تقسیمات کشوری منطقه و وضع اشتغال مردم آن رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین تغییر تقسیمات کشوری منطقه و وضع مسکن مردم آن رابطه وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین تغییر تقسیمات کشوری منطقه و وضعیت تحصیلی مردم آن رابطه وجود دارد.



نمودار شماره ۱: مدل نظری تحقیق

هدف

شناساندن عوامل تبدیل و پیوستگی مناطق مختلف بویژه روستاها، بخش‌ها و شهرستان‌های یک منطقه و رابطه این تغییرات بر بافت جمعیتی مناطق مورد نظر استان اصفهان است. ترکیب جمعیت از تحولات مربوط به زاد و ولد و مرگ و میر، ازدواج و طلاق و دیگری تحركات مکانی یا اجتماعی مستثنی نمی باشد. علاوه بر این هدف می تواند برای تصمیم گیری در شرایط خاص بافت جدید جمعیتی جهت توسعه مناطق مفید واقع شود.

روش شناسی

روش جمع آوری داده‌ها؛ اطلاعات مورد نیاز با استفاده از مدارک موجود در استانداری یا منابع موجود در کتابخانه‌ها به دست آمد، بنابراین از روش اسنادی استفاده شده است. جامعه مورد مطالعه؛ مناطق تغییر یافته استان اصفهان طی ۱۰ سال - از ۱۳۸۰ تا پایان ۱۳۸۹- است. تجزیه و تحلیل داده‌ها؛ داده‌های خام بدست آمده از سرشماری‌ها تبدیل به سهم (درصد) شده، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با علوم مختلف تفسیر شده است.

یافته‌ها

استان اصفهان با مساحت ۱۰۷۰۴۵ کیلومتر مربع در مرکز کشور واقع شده و مساحت آن تقریباً ۶/۶ درصد از مساحت کل کشور را تشکیل داده است. بر اساس سرشماری ۱۳۹۰ و تقسیمات کشوری در این سال، این استان دارای ۲۳ شهرستان، ۴۵ بخش، ۱۰۳ شهر و ۱۲۵ دهستان است (مرکز آمار و اطلاعات استانداری استان اصفهان - پرتال سازمان تقسیمات کشوری).

جدول ۱- فهرست مناطق تغییر یافته طی ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۰

واحد	نام قبلی	تبدیل/تجمع بصورت	نام جدید	بخش	شهرستان	تاریخ
۷ روستا	تودشک، تودشکجویه، رجان، نوبنیاد، مزرعه نو، مزرعه کهنه، صادق آباد	شهر	تودشک	کوهپایه	اصفهان	۸۰/۳ / ۲۳

۸۰ / ۳ / ۲۳	گلپایگان	مرکزی	گلشهر	شهر	کندجان، فیلاخص، وداغ، ورزنه	۴ روستا
۸۰ / ۳ / ۲۸	اصفهان	جرقویه سفلی	نصرآباد	شهر	نصرآباد	روستا
۸۰ / ۵ / ۱۳	آران و بیدگل	مرکزی	نوش آباد	شهر	نوش آباد	منطقه
۸۱ / ۳ / ۲۲	مبارکه	گرکن جنوبی	زیباشهر	شهر	خولنجان، لنج، آدرگان	۳ روستا
۸۱ / ۳ / ۲۸	تیران و کرون	مرکزی	رضوانشهر	شهر	شهرک رضوان	روستا
۸۱ / ۹ / ۲۴	فریدن	چنارود/مرکزی	چادگان	شهرستان	چادگان	شهر
۸۱ / ۱۲ / ۴	برخوار و میمه	برخوار	کمشچه	شهر	کمشچه	روستا
۸۱ / ۱۲ / ۴	کاشان	برزک	برزک	شهر	برزک	روستا
۸۱ / ۱۲ / ۴	فریدون شهر	مرکزی	برف انبار	شهر	سنگباران، خمسلو	۲ روستا
۸۱ / ۱۲ / ۴	نجف آباد	مرکزی	کهریزسنگ	شهر	کهریزسنگ	روستا
۸۱ / ۱۲ / ۶	آران و بیدگل	مرکزی	سفید شهر	شهر	نصرآباد	روستا
۸۲ / ۵ / ۲۲	شهرضا	۲بخش مرکزی/مرکز دهقان	سمیرم سفلی	شهرستان	دهاقان	شهر
۸۳ / ۱۰ / ۱	نطنز	امامزاده	خالد آباد	شهر	خالد آباد	روستا
۸۵ / ۵ / ۱۵	کاشان	مرکزی	مشکات	شهر	مشکان، محمودآباد	۲ روستا
۸۶ / ۷ / ۲۹	اصفهان	مرکزی	فهبجاورستان	شهر	فهبجاورستان	روستا
۸۷ / ۷ / ۲۹	نجف آباد	مرکزی	جوزدان	شهر	جوزدان	روستا
۸۸ / ۹ / ۲۱	خورویا بانک	مرکزی	بافران	شهر	بافران	روستا
۸۸ / ۹ / ۲۱	نابین	مرکزی	فرخی	شهر	فرخی	روستا
۸۹	دهاقان	مرکزی	گلشن	شهر	موسی آباد، مهدی آباد، دولت آباد	۳ روستا

آمار توصیفی

داده‌های جمعیتی هریک از مناطق به ترتیب در قبل و بعد از تغییرات به صورت خام در جدول زیر بدست آمده است.

جدول ۲- اطلاعات مربوط به مناطق تغییر یافته

منطقه	شرح	جمعیت کل	مرد	زن	شاغلا ن	بیکارا ن	تعداد خانوار	واحد مسکونی	تعداد با سوادان
تودشک		۱۳۷۵	۱۷۷۹	۱۹۴۷	۸۷۱	۱۴۰	۴۶۹	۴۶۱	۲۶۱۹
		۱۳۸۵	۱۹۳۳	۲۰۱۴	۱۵۴۸	۹۹	۱۱۰۱	۱۰۳۹	۳۶۳۰
گلشهر		۱۳۷۵	۵۲۷۳	۵۲۰۹	۲۶۵۰	۱۱۳	۲۳۸۰	۲۲۰۹	۹۳۸۳
		۱۳۸۵	۵۰۱۴	۴۹۵۹	۳۱۶۴	۲۵۵	۲۸۶۶	۲۶۳۲	۹۲۳۸
نصرآباد		۱۳۷۵	۲۵۳۷	۲۵۰۴	۱۱۷۶	۱۱۰	۱۰۱۵	۶۶۸	۴۱۶۶
		۱۳۸۵	۲۸۹۹	۲۸۵۲	۲۴۱۹	۷۰	۱۳۶۱	۹۳۰	۵۱۷۲
نوش آباد		۱۳۷۵	۵۴۴۶	۵۱۰۷	۴۹۷۳	۹۱	۲۲۷۶	۱۹۸۱	۹۱۸۶
		۱۳۸۵	۵۳۳۵	۵۱۵۰	۳۸۵۷	۷۳	۲۸۶۰	۲۶۱۴	۹۴۸۳
زیباشهر		۱۳۷۵	۴۵۴۵	۴۲۶۵	۲۱۳۰	۳۲۹	۲۰۲۴	۱۷۹۸	۷۸۵۳
		۱۳۸۵	۴۶۵۷	۴۴۴۰	۲۸۱۴	۱۶۵	۲۴۶۷	۲۲۵۵	۸۳۱۵
رضواذ شهر		۱۳۷۵	۳۴۸۷	۱۷۰۵	۵۲۸	۶۲	۸۸۰	۷۹۱	۳۱۷۳
		۱۳۸۵	۳۸۱۲	۱۸۳۸	۱۰۹۷	۷۵	۱۱۳۴	۱۰۳۴	۳۵۲۰
چادگان		۱۳۷۵	۶۷۱۶	۳۳۴۶	۱۸۷۵	۲۷۰	۱۴۲۸	۱۲۵۹	۵۸۲۱
		۱۳۸۵	۷۶۰۹	۳۷۵۰	۲۱۱۶	۲۱۵	۱۸۷۸	۱۷۰۹	۶۹۱۳
کمشچه		۱۳۷۵	۱۹۸۶	۲۰۰۲	۱۰۷۰	۴۶	۸۱۳	۷۵۳	۳۵۳۲
		۱۳۸۵	۲۲۷۶	۲۱۱۹	۱۶۰۰	۶۷	۱۰۷۲	۱۰۵۰	۴۰۴۶
برزک		۱۳۷۵	۱۶۸۱	۱۸۴۸	۷۸۵	۲۶	۸۵۸	۸۳۶	۳۱۹۰
		۱۳۸۵	۱۵۷۲	۱۶۹۲	۱۳۶۴	۶۲	۹۳۸	۹۰۱	۳۰۵۸
برف انبار		۱۳۷۵	۲۷۴۹	۲۶۶۲	۱۲۷۲	۸۰	۸۹۹	۶۵۲	۴۶۰۱
		۱۳۸۵	۲۵۲۳	۲۵۳۲	۱۰۹۳	۳۹۸	۱۲۵۷	۸۹۶	۴۵۴۸
کهریز سنگ		۱۳۷۵	۳۶۰۶	۳۳۰۳	۱۹۳۰	۲۱۱	۱۴۲۸	۱۲۱۲	۶۰۵۰
		۱۳۸۵	۴۲۹۸	۳۹۶۹	۲۱۵۸	۴۴۷	۲۱۶۹	۲۰۳۲	۷۳۲۶
سفید شهر		۱۳۷۵	۲۲۶۶	۲۱۵۶	۲۱۷۱	۴۹	۹۰۱	۷۶۷	۳۸۶۶
		۱۳۸۵	۲۶۹۴	۲۴۵۷	۲۳۲۲	۲۰	۱۲۴۹	۱۱۶۲	۴۶۵۸
دهاقان		۱۳۷۵	۸۷۱۴	۸۲۹۳	۳۸۸۹	۴۹۲	۴۱۱۳	۳۳۲۳	۱۵۱۷۲
		۱۳۸۵	۸۵۸۹	۸۳۴۵	۵۳۸۵	۵۱۹	۴۶۶۹	۴۱۳۷	۱۵۵۴۵

۳۵۶۷	۴۶۳۵	۱۰۱۳	۱۱۶۹	۶	۱۴۷۳	۲۶۵۲	۲۷۱۱	۵۳۶۳	۱۳۷۵	خالد
۲۲۲۴	۳۰۰۱	۷۸۷	۸۵۹	۶۷	۱۱۷۰	۱۶۵۸	۱۶۵۰	۳۳۰۸	۱۳۸۵	آباد
۳۳۲۴	۴۱۲۳	۸۶۷	۱۰۲۴	۳۳	۱۹۱۶	۲۳۱۳	۲۴۰۸	۴۷۲۱	۱۳۷۵	مشکات
۳۷۲۱	۴۴۹۳	۱۱۵۳	۱۳۰۰	۱۷۸	۱۴۸۰	۲۴۰۲	۲۵۶۸	۴۹۷۰	۱۳۸۵	
۵۰۴۸	۶۲۳۵	۱۶۳۸	۱۷۸۸	۱۲۴	۲۵۷۷	۳۲۹۸	۳۵۵۸	۶۸۵۴	۱۳۸۵	قهجاور
*	*	*	۲۳۳۶	*	*	۳۸۵۶	۴۰۵۰	۷۹۰۶	۱۳۹۰	ستان
۵۰۹۵	۵۹۱۳	۱۳۵۴	۱۵۶۱	۳۴۹	۱۸۰۳	۳۱۹۵	۳۱۹۸	۶۳۹۳	۱۳۸۵	جوزدان
*	*	*	۱۸۴۹	*	*	۳۳۲۰	۳۴۲۹	۶۷۴۹	۱۳۹۰	
۲۱۲۰	۲۴۵۶	۶۶۸	۶۶۸	۲۱	۹۳۳	۱۳۵۹	۱۳۵۶	۲۷۱۵	۱۳۸۵	فرخی
*	*	*	۷۲۴	*	*	۱۲۵۹	۱۲۴۳	۲۵۰۲	۱۳۹۰	
۱۵۸۰	۱۹۹۶	۵۸۷	۵۹۰	۸۴	۷۶۳	۱۱۰۳	۱۰۳۵	۲۱۳۸	۱۳۸۵	باقران
*	*	*	۶۵۶	*	*	۱۰۴۳	۹۴۸	۲۰۲۷	۱۳۹۰	
۳۳۶۷	۴۲۴۹	۱۱۹۴	۱۳۲۵	۷۵	۱۴۹۱	۲۲۶۹	۲۳۷۲	۴۶۴۱	۱۳۸۵	گلشن
*	*	*	۱۵۶۷	*	*	۲۴۹۷	۲۵۶۱	۵۰۵۸	۱۳۹۰	

(دفاتر سرشماری ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵، مرکز آمار استان اصفهان)

* آماده نبودن آمار سرشماری ۱۳۹۰

آمار استنباطی

در این قسمت داده‌های خام تبدیل به نسبت و سهم (درصد) شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند و با کمک علوم مختلف تفسیر می‌شوند.

الف) برای محاسبه ترکیب جنسی، تعداد مردان را بر تعداد زنان تقسیم می‌کنند و در ۱۰۰ ضرب می‌شود که نسبت جنسی نام دارد. (امانی، ۱۳۷۹: ۱۹)

$$s. r = \frac{M}{F} \times 100$$

جدول ۳- نسبت جنسی مناطق تغییر یافته استان

منطقه	تودشک	گلشهر	نصرآباد	نوش آباد	زیاشهر
سال	۹۱/۳۷	۱۰۱/۲۳	۱۰۱/۳۲	۱۰۶/۶۴	۱۰۶/۵۶
سال	۹۵/۹۸	۱۰۱/۱۷	۱۰۱/۶۵	۱۰۳/۵۹	۱۰۴/۸۸

منطقه	سال	رضوان شهر	چادگان	کمشچه	برزک	برف انبار
	۱۳۷۵	۹۵/۶۸	۹۹/۳	۹۹/۲۰	۹۰/۹۶	۱۰۳/۲۷
	۱۳۸۵	۹۳/۱۱	۹۷/۱۷	۱۰۷/۴۰	۹۲/۹۰	۹۹/۶۰
منطقه	سال	کهریزسنگ	سفیدشهر	دهاقان	خالدآباد	مشکات
	۱۳۷۵	۱۰۹/۱۸	۱۰۵/۱۰	۱۰۵	۱۰۲/۲۳	۱۰۴/۱۰
	۱۳۸۵	۱۰۸/۴۵	۱۰۹/۶۵	۱۰۲/۹	۹۹/۵۲	۱۰۶/۹۱
منطقه	سال	قهاورستان	جوزدان	فرخی	بافران	
	۱۳۷۵	۱۰۷/۹	۱۰۰	۹۹/۷	۹۳/۸۴	
	۱۳۸۵	۱۰۵	۱۰۳/۲۸	۹۸/۷	۹۴/۳	

ارقام جداول نشان می‌دهد که نسبت جنسی در بعضی مناطق افزایش و در بعضی دیگر کاهش یافته است، به عبارت دیگر بین تغییر موقعیت برخی از منطقه‌ها و ترکیب جنسی مردم آن رابطه وجود دارد. (منظور مکان‌هایی که با افزایش این نسبت روبرو بوده‌اند).

ب) برای سنجش وضع اشتغال، تعداد جمعیت شاغل را به جمعیت فعال آن (شاغلین + بیکار در جستجوی شغل) تقسیم می‌کنند و حاصل در عدد ۱۰۰ ضرب می‌شود (تمنا، ۱۳۸۷: ۱۱۲).

$$\text{درصد جمعیت شاغل} = \frac{\text{تعداد شاغلان یک منطقه}}{\text{تعداد فعالان منطقه}} \times 100$$

جدول ۴- درصد اشتغال

منطقه	سال	تودشک	گلشهر	نصرآباد	نوش آباد	زیباشهر
	۱۳۷۵	۸۶/۱۵	۹۱/۹۵	۹۱/۴۵	۹۸/۲۰	۸۶/۶۲
	۱۳۸۵	۹۳/۹۸	۹۲/۵۴	۹۷/۱۸	۹۸/۱۴	۹۴/۴۶

منطقه	رضوان شهر	چادگان	کمشچه	برزک	برف انبار
سال	۱۳۷۵	۸۷/۴۱	۹۵/۸۸	۷۹/۹۶	۹۴/۰۸
	۱۳۸۵	۸۸/۸۲	۹۵/۹۸	۹۵/۶۵	۷۳/۳۰
منطقه	کهریزسنگ	سفیدشهر	دهاقان	خالدآباد	مشکات
سال	۱۳۷۵	۹۹/۷۹	۸۸/۷۶	۹۹/۵۹	۹۸/۳۰
	۱۳۸۵	۸۴/۸۲	۹۹/۱۴	۹۴/۵۸	۸۹/۲۷

با توجه به جدول، بین تغییر موقعیت برخی مناطق و وضع اشتغال مردم آن رابطه وجود دارد چراکه در بعضی مکان‌ها درصد اشتغال نسبت به وضع قبل افزایش داشته و در بعضی دیگر کاهش یافته است.

ج) برای سنجش وضعیت مسکن از "شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی" استفاده میکنند. تعداد خانوارهای یک منطقه را بر تعداد کل واحدهای مسکونی واقع در همان منطقه تقسیم می‌کنند (کاظمی پور، ۱۳۸۳: ۷۱).

$$\text{تعداد خانوارهای ساکن در منطقه} = \frac{\text{تراکم خانوار در واحد مسکونی}}{\text{تعداد کل واحدهای مسکونی واقع در منطقه}}$$

حاصل به دست آمده از تقسیم برابر "یک" بود، یعنی تعداد واحدهای مسکونی و تعداد خانوارها برابر است و منطقه مورد نظر از استقلال مسکن برای خانوارهای خود برخوردار است. ولی اگر حاصل به دست آمده از "یک" بیشتر بود منطقه مورد نظر برای خانوارهای ساکن در آنجا با کمبود واحد مسکونی روبرو است.

جدول ۵- تراکم خانوار در واحد مسکونی

منطقه	سال	تودشک	گلشهر	نصرآباد	نوش آباد	زیباشهر
	۱۳۷۵	۱/۰۱	۱/۰۷	۱/۵۱	۱/۱۴	۱/۱۲
	۱۳۸۵	۱/۰۵	۱/۰۹	۱/۴۶	۱/۰۹	۱/۰۹
منطقه	سال	رضوان شهر	چادگان	کمشچه	برزک	برف انبار
	۱۳۷۵	۱/۱۱	۱/۱۳	۱/۰۸	۱/۰۲	۱/۳۷
	۱۳۸۵	۱/۰۹	۱/۰۹	۱/۰۲	۱/۰۴	۱/۴۰
منطقه	سال	کهریزسنگ	سفیدشهر	دهاقان	خالدآباد	مشکات
	۱۳۷۵	۱/۱۸	۱/۱۷	۱/۲۴	۱/۱۶	۱/۱۸
	۱۳۸۵	۱/۰۶	۱/۰۸	۱/۱۳	۱/۰۹	۱/۱۳

وضعیت مسکن مردم مناطق مورد نظر به جز چهار مکان که با کمبود مسکن بیشتری نسبت به قبل مواجه شده اند در بقیه موارد این وضع بهتر شده (هرچند به طور کامل رفع نشده) و بین آنها با تغییر موقعیت رابطه وجود دارد. (د) برای سنجش وضع تحصیلی می توان از محاسبه درصد باسوادی استفاده نمود. به این طریق که جمعیت باسواد منطقه را به جمعیت شش ساله و بالاتر آن تقسیم و حاصل را در عدد ۱۰۰ ضرب می کنند (تمنا، ۱۳۸۷: ۱۳۲).

$$\text{درصد باسوادی} = \frac{\text{تعداد باسوادان}}{\text{جمعیت شش ساله و بیشتر}} \times 100$$

جدول ۶- درصد باسوادی

منطقه سال	تودشک	گلشهر	نصرآباد	نوش آباد	زیباشهر
۱۳۷۵	۸۰/۹۵	۷۵/۱۸	۵۹/۸۹	۷۶/۶۲	۸۳/۹۶
۱۳۸۵	۸۶/۲۵	۷۶/۴۴	۷۴/۸۸	۸۱/۹۸	۸۴/۵۴
منطقه سال	رضوان شهر	چادگان	کمشچه	برزک	برف انبار
۱۳۷۵	۷۸/۲۲	۸۲/۸۰	۸۴/۷۴	۷۸/۹۴	۷۸
۱۳۸۵	۸۱/۸۲	۸۶/۴۲	۸۶/۹۵	۷۹/۷۰	۸۰
منطقه سال	کهریزسنگ	سفیدشهر	دهاقان	خالدآباد	مشکات
۱۳۷۵	۹۰/۲۹	۸۰/۸۶	۸۰/۸۷	۷۶/۹۶	۸۰/۶۲
۱۳۸۵	۸۹/۹۶	۸۰/۱۴	۸۳/۳۹	۷۴/۱۱	۸۲/۸۲

ارقام گویای این است که درصد باسوادی اکثر مناطق در سال‌های بعد از تغییر افزایش یافته و می‌توان گفت بین تغییر موقعیت منطقه و وضعیت تحصیلی مردم آن رابطه وجود دارد. برای سایر مکان‌هایی که کاهش نشان می‌دهد رابطه وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

تغییر تقسیمات کشوری-تأسیس شهرهای میانی، شهرهای کوچک یا شهرک‌ها از طریق تبدیل یا ادغام روستاها به شهر-اغلب از طرف دولتمردان برای رسیدن به توسعه در شهر و روستا، صورت می‌پذیرد که به تبع آن عناصر ترکیب جمعیت را تحت تأثیر قرار داده و موجب دگرگونی آنها می‌شود.

آمارها نشان دهنده این است که درصدنسبت جنسی درهشت منطقه (تودشک، کمشچه،

برزک، سفیدشهر، مشکات، جوزدان، بافران و نصرآباد) از بین ۲۰ منطقه مورد مطالعه در مقایسه با سال‌های قبل از تغییر یافتن آنها، افزایش داشته و در بقیه مناطق حاکی از کاهش نسبت جنسی دارد. طبق برآوردهای سالیانه نسبت جنسی همواره در شهرها بیشتر از روستاها است و از دلایل آن مهاجرت بیشتر مردان در شهرها برای دسترسی و استفاده از صنعت و خدمات آسان‌تر است. بنابراین بین تغییر موقعیت مناطقی که با افزایش این نسبت روبرو بوده‌اند و ترکیب جنسی مردم آن رابطه وجود داشته، به این معنی که موقعیت جدید توانسته با ارائه خدمات از مهاجر فرستی ساکنانش جلوگیری یا در مواردی امکان مهاجرپذیری منطقه را ایجاد کند. ولی در سایر مناطق روند کاهشی را نشان می‌دهد و موقعیت جدید اثرگذار نبوده، چراکه درصد مردان نسبت به قبل کاهش یافته است. بالاترین افزایش نسبت جنسی، مربوط به شهر کمشچه با ۸/۲۰٪ افزایش و بیشترین کاهش نیز در شهرنوش آباد با ۳/۰۵٪ کاهش است.

آمارهای درصد اشتغال بین مناطق مختلف در سال‌های قبل و بعد از تغییرات متفاوت بوده بطوری که در هفت منطقه (تودشک، گلشهر، نصرآباد، زیباشهر، چادگان، برزک، دهاقان) از مکان‌های تحت بررسی افزایش داشته و برای سایر مناطق رقم اشتغال کاهش یافته است. این درحالی است که با وجود شهرهای جدید و پدید آمدن تنوع بالا و اشتغال بیشتر نسبت به روستا میزان اشتغال افزایش می‌یابد. پس شهر ممکن است با دو حالت روبرو شود؛ ارائه خدمات باعث مهاجرپذیری و جذب نیروی بیکار در سایر بخش‌ها شود، از طرف دیگر با از میان رفتن برخی مشاغل سنتی در روستا (موقعیت قبلی) بیکاری در بخش مورد نظر، افزایش یابد و در نتیجه شهر با کاهش درصد اشتغال می‌شود. بالاترین افزایش مربوط به شهر زیباشهر با ۷/۴۸٪ رشد و کمترین رشد برای شهر کمشچه با ۰/۱۰٪ افزایش است.

ارقام نشان می‌دهد وضع مسکن مردم نسبت به سال‌های قبل از تغییرات بهتر شده، هرچند بطور کامل مشکل آنها برطرف نشده است. اما در چهار مورد (تودشک، برزک، برف انبار و گلشهر)، مناطقی هستند که حتی پس از ورود به مرحله جدید، وضع مسکن بدتر شده و تراکم در واحدها مسکونی رقم بیشتری را نشان می‌دهد و این گویای کاهش استقلال سکونتی مردم منطقه است. بیشترین رشد مربوط به شهر کهریزسنگ با ۰/۱۲٪ افزایش و بالاترین کاهش در وضع مسکن برای شهر تودشک با ۰/۴٪ کاهش است.

در مورد وضع تحصیلی افراد؛ اکثر مناطق تغییر یافته استان در صد باسوادی مردم افزایش نشان می دهد، ولی در سه مورد (خالده آباد، کهریز سنگ و سفید شهر) کاهش باسوادی دیده می شود. این در حالی روی داده که اغلب جوامع با پیشرفت روز افزون باسوادی روبرو بوده اند، ولی در صد باسوادی مردم این مناطق حتی نسبت به وضعیت قبلشان کاهش یافته است. این امر خصوصاً برای چنین جوامعی که می خواهند مراحل روبه توسعه ای داشته باشند، نیاز به تأمل و توجه بیشتری دارد. بیشترین رشد باسوادی در شهر نصر آباد با ۱۵٪ رشد و بالاترین کاهش مربوط به شهر خالده آباد با ۲/۸۵٪ کاهش است. از یافته های دیگر اینکه؛ اولاً اغلب تغییرات صورت گرفته تبدیل روستا به شهر بوده است. دوم؛ بیشترین تغییرات در ۱۰ سال اخیر بین سال های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۵، به خصوص در سال ۱۳۸۱ انجام گرفته بطوری که علاوه بر تبدیل تعدادی روستا به شهر، با اضافه شدن یک شهرستان جدید در این سال به تقسیمات استان اصفهان، دهستان ها و بخش های دیگری نیز به موجب این تغییرات ایجاد شدند یا تغییر نام یافتند.

نکته به دست آمده در پژوهش حاضر این است که شهرها ترکیب جمعیتی متفاوت در مقایسه با روستاها دارند، چرا که با ارائه صنعت و خدمات بیشتر به ساکنین خود باعث تفاوت مذکور می شوند. لذا با تبدیل روستا به شهر انتظار می رود بافت جمعیتی آن به نفع شهر تغییر یابد. حال اگر شهر جدید بتواند خدمات مورد نیاز ساکنانش را به خوبی ارائه دهد مسلماً بر ترکیب جمعیت اثر گذار است و آن را تغییر می دهد، ولی اگر به هر جهت شهر مورد نظر از عهده چنین خدماتی بر نیاید بافت آن علاوه بر اینکه تغییر چندانی نمی یابد، بلکه امکان دارد به بافت جمعیتی متفاوت تراز موقعیت قبلی خود (روستا) دست یابد. در نتیجه از شهر ایجاد شده صرفاً شکلی ظاهری از آن باقی مانده و دیگر شهر به معنای واقعی نیست. در مورد تبدیل موقعیت های دیگر مثل تبدیل شهر به شهرستان نیز که مصداقی از تغییر یافتن شهری کوچک به شهری بزرگتر است، می توان به همین نحو اظهار نظر نمود. البته در این تحقیق دو شهرستان ایجاد شده برای وضعیت تحصیلی مردم رشد داشته و در نسبت جنسی خود کاهش نشان دادند و این امکان دارد ناشی از عواملی غیر از مهاجر فرستی مردان در بخش مورد نظر باشد. بنابراین

راهکارهای توسعه در تغییر مناطق گوناگون که اغلب با شکل تبدیل روستا به شهر نمایان می‌شود به شکل کامل انجام نمی‌شود و به صورت یکسان نیز در همه مکان‌ها عملی نیست. در پایان پیشنهاد می‌شود برنامه‌ای جهت تسریع خدمات موردنیاز در مناطق مورد بررسی، به خصوص در سال‌های اولیه تغییر ایجاد گردد، چرا که ساکنان آن شهر یا منطقه انتظار دارند پس از ورود به وضعیتی دیگر، امکانات لازم برای دستیابی به شرایطی بهتر از آنچه قبلاً بوده است فراهم شود. برای رسیدن به حداکثر اثرات مثبت طرح‌های توسعه مناطق باید به تناسب موقعیت‌ها، با در نظر گرفتن تمام جوانب و به طور جداگانه برنامه ریزی شود. برای آشکارتر ساختن نقش اجزای بافت جمعیتی مکان‌های تغییر یافته، بر سایر جنبه‌های مرتبط با آن نیز اعم از اجتماعی، اقتصادی و... تأکید شود که برای دقیق انجام شدن و مواجه نشدن با حوزه کاری بسیار گسترده، می‌توان تعدادی از مناطق یا بطور جداگانه هر کدام مورد بررسی قرار گیرد. به عنوان مثال با داشتن آمار مربوطه برای عوامل مهاجر فرستی مناطق (مثلاً روستایی)، تا حدودی علت کاهش نسبت جنسی یا درصد اشتغال را مشخص نمود.

منابع

- ۱- از کیا، مصطفی، ۱۳۷۰، «مقدمه‌ای بر جامعه شناسی توسعه روستایی»، تهران، نشر اطلاعات.
- ۲- از کیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۴، «جامعه شناسی توسعه»، تهران، انتشارات کیهان.
- ۳- امانی، مهدی، ۱۳۷۹، «مبانی جمعیت شناسی»، تهران، انتشارات سمت.
- ۴- امیراحمدیان، بهرام، ۱۳۸۳، «تقسیمات کشوری»، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ۵- پاپلی یزدی، محمدحسین و رجبی سناجردی، حسین، ۱۳۸۲، «نظریه‌های شهر و پیرامون»، تهران، انتشارات سمت.
- ۶- تقوی، نعمت اله، ۱۳۶۹، «مبانی جمعیت شناسی»، تهران، انتشارات نیما.
- ۷- تمنا، سعید، ۱۳۸۷، «مبانی جمعیت شناسی»، تهران، انتشارات پیام نور.
- ۸- توسلی، غلامعباس، ۱۳۷۳، «نظریه‌های جمعیت شناسی»، تهران، انتشارات سمت.
- ۹- ریشه، گی، ۱۳۷۲، «تغییرات اجتماعی»، تهران، دکتر منصور وثوقی، نشر نی.

- ۱۰- زنجانی، حبیب اله، ۱۳۸۶، «جمعیت، توسعه و بهداشت باروری»، تهران، انتشارات بشری.
- ۱۱- ساروخانی، باقر، ۱۳۸۶، «روشهای تحقیق در علوم اجتماعی»، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، جلد اول.
- ۱۲- ساوج، مایک و وارد آلن، ۱۳۸۵، «جامعه شناسی شهری»، ابوالقاسم رضایی، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۳- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۷۵، شناسنامه آبادی‌های شهرستان‌های استان اصفهان، مرکز آمار ایران، تهران.
- ۱۴- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵، شناسنامه آبادی‌های استان اصفهان، مرکز آمار و اطلاعات استان اصفهان.
- ۱۵- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۸۵، اطلاعات شهرهای استان اصفهان، مرکز آمار و اطلاعات استان اصفهان.
- ۱۶- سرشماری عمومی نفوس و مسکن، ۱۳۹۰، آمار جمعیت و تعداد خانوار شهرهای استان اصفهان به تفکیک شهرستان، مرکز آمار و اطلاعات استان اصفهان.
- ۱۷- شارع پور، محمود، ۱۳۸۷، «جامعه شناسی شهری»، تهران، انتشارات سمت.
- ۱۸- شکوئی، حسین، ۱۳۷۴، «دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری»، تهران، انتشارات سمت، جلد اول.
- ۱۹- شیخی، محمدتقی، ۱۳۷۵، «جمعیت شناسی اقتصادی و اجتماعی»، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار.
- ۲۰- غفاری، غلامرضا و ابراهیمی لویه، عادل، ۱۳۸۴، «جامعه شناسی تغییرات اجتماعی»، تهران، انتشارات آگرا ولویه.
- ۲۱- فریدی مجید، فاطمه و دیگران، ۱۳۸۸، «سرگذشت تقسیمات کشوری»، تهران، نشر بنیاد ایران شناسی، جلد اول.
- ۲۲- فکوهی، ناصر، ۱۳۸۳، «انسان شناسی شهری»، تهران، نشرنی.
- ۲۳- قرائی مقدم، امان اله، ۱۳۸۱، «مبانی جامعه شناسی»، تهران، انتشارات ابجد.
- ۲۴- کاظمی پور، شهلا، ۱۳۸۳، «روشهای مقدماتی تحلیل جمعیت»، تهران، انتشارات پیام نور.

- ۲۵- کلاتری، صمد، ۱۳۷۵، «مبانی جمعیت‌شناسی»، تهران، انتشارات مانی.
- ۲۶- کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد، ۱۳۷۸، «نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی»، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشرنی.
- ۲۷- لنسکی، گرهارد، لنسکی، جین، ۱۳۶۹، «سیر جوامع بشری»، ناصر موفقیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۲۸- لهسائی زاده، عبدالعلی، ۱۳۸۳، «جامعه‌شناسی توسعه»، تهران، انتشارات پیام نور.
- ۲۹- لهسائی زاده، عبدالعلی، ۱۳۷۸، «ساختار سنی جمعیت»، شیراز، انتشارات نوید.
- ۳۰- میرزائی، سید محمد، ۱۳۸۱، «جمعیت‌شناسی عمومی»، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۳۱- نولان، پاتریک، لنسکی، گرهارد، ۱۳۸۰، «جامعه‌های انسانی/مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کلان»، تهران، ناصر موفقیان، نشرنی.
- ۳۲- وثوقی، منصور، ۱۳۸۶، «جامعه‌شناسی روستایی»، تهران، انتشارات کیهان.
- ۳۳- رهنمایی، محمدتقی وشاحسینی، پروانه، ۱۳۸۳، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۳۸ و ۲۳۷.
- ۳۴- فتحی، الهام، «رشد مهاجرت بین استانی»، هفته‌خبری-تحلیلی برنامه، سال نهم، شماره ۳۹۵.
- ۳۵- گلی، علی وعسگری، علی، «کاربرد منطق فازی در تبدیل روستا به شهر: استان تهران»، فصلنامه مدرّس علوم انسانی، دوره ۱۰، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۵، صفحات ۱۴۰ تا ۱۴۷.
- ۳۶- گنجی، محمدحسن، میکائیکی، محمدجواد، «اثر تحولات جمعیتی بر ساختارهای فضایی-مکانی سکونتگاه‌های روستایی؛ مطالعه موردی بخش مرکزی بیرجند»، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۹ و ۷۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، سال شانزدهم صفحات ۵۸ تا ۶۸.
- ۳۷- رحمانی، علی، ۱۳۸۸، «بررسی پیامدهای اقتصادی و جمعیتی تبدیل روستا به شهر در استان اصفهان- مطالعه موردی زیباشهر مبارکه»، کارشناسی ارشد، جمعیت‌شناسی، دانشگاه آزاد دهاقان، دانشکده ادبیات.

۳۸- دفتر فنی و تقسیمات سیاسی استانداری اصفهان (پرتال تقسیمات سیاسی کشور)

۳۹- مرکز آمار و اطلاعات استانداری اصفهان

40- Zweig ,David, (1987) From Village to city: Reforming Urban- Rural Relations in china ,International Regional Science Reviw April 1987 11: 43-58

